



ملوانی در خلیج فارس

علی حامدی نیک



(همراه صلح و دوستی)

سرشناسه: حامدی نیک، حسن، ۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: ملوانی و خلیج فارس: (حماسه صلح و دوستی) / علی حامدی نیک.
مشخصات نشر: تهران: نشر سولار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص.
فروست: نشر سولار؛ ۵۵. رمان معاصر ایران؛ ۲.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۱۸-۳۵-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۸۳۴۱ PIR ۱۳۹۴ م ۸۳۵ الف /
رده بندی دیویی: ۸۶۲/۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۵۶۷۶



انتشارات سولار

شماره نشر ۵۵

ملوانی در خلیج فارس

علی حامدی نیک

مدیر اجرایی: فاطمه اقبالی

مدیر فنی چاپ: فرهنگ حسن زاده

حاج، ا. ا. ۱۳۹۵:

شماره: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۳۵-۷۸-۷۷۱۸

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

همه حقوق مادی و معنوی این اثر در اختیار مولف می باشد

آدرس: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد ۱۱، تلفن: ۷۷۵۵۸۴۳۸-۸۸۴۴۶۳۶-۰۹۱۲۷۲۰۳

soolarpub@gmail.com

فهرست

مقدمه	۹
فصل اول:	۱۷
دلاور و کشتی سیاه	۱۷
فصل دوم:	۴۰
دلاور سفر به بصره	۴۰
فصل سوم:	۵۹
دلاور و شتل آبی	۵۹
فصل چهارم:	۸۳
دلاور در شیر کاسپین	۸۳
فصل پنجم:	۱۰۹
دلاور و مسافرانی از بالکان	۱۰۹
فصل ششم:	۱۳۷
دلاور و سفر به سیستان	۱۳۷
فصل هفتم:	۱۷۵
دلاور و بیکر ساز	۱۷۵
فصل هشتم:	۲۰۳
دلاور در سیرجان و مرجان	۲۰۳
فصل نهم:	۲۲۸
دلاور و گریه‌ی جزیره	۲۲۸
فصل دهم:	۲۵۹
دلاور و ناخدای پرتغالی	۲۵۹

مقدمه

سرما، یخبندان، تاریکی، برف سوز تندبادهای سرد، دریا‌های یخ‌زده و خشکی‌های برف گرفته؛ خورشید اسم نالایق بادها و ابرهای وحشی! جهان در سرما و ناامنی و رو به پایان؛ زمین خسته از هزاران سال تاریکی و سرما، اما دریای فارس کوچک، قلبش گرم و تپنده است؛ ناله نوری درخشید و آتش پیدا شد و دریای فارس کانون نور و گرما و امید شد. آسمان روشن و جهان نو شد و خورشید درخشید یخها آب و رودخانه‌ها جان گرفتند و راستی بر کجی و علم بر خرافه و خوبی بر بدی پیروز شد سرما تاریک رفت و گرما نور آمد. ای آخرین سنگر عشق و امید خلیج فارس درود بر تو ای دریای مشعل و حکمت و نور، درود بر تو ای گهواره‌ی تمدن، ای دریای آزادی و هنر و دوستی درود بر تو ای مهربان سخاوتمند و ای فروتن بزرگوار و ای افتخار ایران و جهان درود بر تو.

نوشتن از تو چه دشوار است، چگونه کلمات در برابر بزرگی و زیبایی و قدرت و شکوه و آزادی و فروتنی و ثروت و تو چیده و پرداخته و جمله و جملات گسترده و داستانی شوند و کتابی پدید آید که در شان نام تو باشد.

نوشتن از تو که شرق و غرب و شمال و جنوب را به هم پیوند دادی و اقوام پراکنده را بهم نزدیک و صلح و دوستی را برقرار و بشریت را کامی بلند به جلو بردی چه دشوار است و کتابی باید با ظاهر زیبا، باطنی ژرف و شگفتی‌های بسیار و شیوارسانی همتا و دست نیافتنی و فراتر از عصرها و نسلها و الهام بخش و سرآمد آثار را

نوشتن از تو، قلمی سرانگیز و قلبی دریایی و روانی اهورائی می‌خواهد و کاری است کارستان و کجاست آن، قلم و رای، نه فدای آن دستهایی که کوه را روی کوهی بگذارد و نه فدای آسمان لشکر شکن! که فدای دستهایی که در عصر یخبندان یادها و قلبها و خاموشی وجدانها و سکوت دانایان و خواب آلودگی دوستان و بی خبری فرزندان!

دستهایی ناپاک می‌خواهند تو را جدا و گمنام و خاموش کنند، نام تو را ببرد و یاد تو را زنده کند، همش تو باشی و غمش هم تو باشی و چون خلیج فارس و ایران نباشد تن او هم مباد!

اما زمان می‌گذرد و عمر سپری شده و زود دیر می‌شود و باید کاری کرد و پشیمانی را سودی نیست پس باید قلم برداشت و در حد بضاعت نوشت، حتی بجای کسانی که حرف می‌زنند و شعار می‌دهند بجای کسانی که سکوت کردند، بجای کسانی که باید بنویسند و نمی‌نویسند و حتی بجای کسانی که نوشتند اما

نوشته‌هایشان در درازنای تاریخ و گذر روزگاران سوخت و به ما نرسید باید نوشت و نام ایران و خلیج فارس را برد.

ای خلیج فارس مهربان و سخاوتمند وای سرچشمه دریاها وای قلب زمین، آب زلال و نیلگون همیشه پاک و برقرار، آسمانت آبی و نورانی، مردمانت شاد و امیدوار و قلبت همواره تپنده و پر مهر دستهای ناپاک و اهریمنی از تو دور و نام پر افتخارت جاه بد باد.

اینک این شیرین نامه، مهرانگیز و حماسه‌ی صلح و دوستی را از این فرزند کوچک خود بپذیر و شاد باش و کاستیهای آن را کم و توانائیهایش را بیش بین و فراموشم نکن که هرگز فراموش نمی‌کنم‌ای خلیج فارس.

دروود بر جهان هستی و این گسترش بیکرا، و بهکشان راه شیری و یگانه منظومه نامدارش و خورشید زندگی بخش و سرازه‌ی آب بی همتا و جان و جاندارن و شاهکار آفرینش انسان خردمند و به تمامی انسانهای زمین و مردمان قاره کهن آسیا و ملت‌های نجیب خاور میانه و فارس زبانان سرافراز ایرانیان با فرهنگ و مردمان سرزمین اهورائی کاسپین تا خلیج فارس و جزایر کوچک و بزرگ و مردمان هنر پرور و نیک اندیش و پرهیزگار شمال و جنوب و کرانه‌های زیبایش و همه اهالی و برو بچه‌های خونگرم و مهمان‌نواز سرزمین آب و آفتاب و همینطور اهالی کرانه‌های غربی و جنوبی خلیج فارس که به گرما و شرجی و بیابان پشت نکردند و سرزمینشان را آباد ساختند و این ایرانی‌ترین اعراب خارجی، امروز سرشناس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین اعراب جهان هستند. علاوه بر همه تبلیغات مغرضانه همچنان در لایه‌های زیرین قلبشان ایران و ایرانیان را دوست دارند

خلیج فارس دریای بی کرانی است که تمام جهانیان مستقیم و غیر مستقیم از آن بهره می‌برند و خلیج فارس یک آبراه گذرگاه کالا و صنایع و نظامی و ماجراجویی نیست، تنها دارنده مخازن گاز و نفت و (هارتلند انرژی) موقعیت اقتصادی و سیاسی هم نیست.

خلیج فارس یک کستره آبی ایرانی است و انسان ایرانی با امیدها و آرزوها و جهان بینی، مشکلات، رنجها، شادیهای خود هزاران سال در کنار او زیسته و تار و بود هم شدند.

همه اقوام ایرانی از ترک و لر و فارس و عرب و کرد و تات و ترکمن و بلوچ و سیستانی و تالش و مازنی و گیلانی و ... همچون قطرات آب و جویبار کوچک و بزرگ به این دریا می‌رسند و در پهنه‌ی ایران خلیج فارس همچون نگینی بی همتا می‌درخشد و ایرانیان در گرد آن سرافرازند و هویت واحد همه ایرانیان خلیج فارس است، خلیج فارس بزرگترین گنجینه‌ی مادی و معنوی ایرانیان است و میراث بشری است خلیج فارس دریای گفتگو، فرهنگ و صلح و دوستی است! بینگ‌بنگ تمدن از خلیج فارس آغاز شده و کهن‌ترین و فرهنگی‌ترین دریای جهان است و ریشه طولانی و منگم در تاریخ دارد و خاستگاه نخستین هاست. خلیج فارس محویت فرهنگی آسیا و جهان را دارد و شایسته پایتخت فرهنگی جهان است و بسیار پیش و بیش از کشوری مثل سوئیس در صلح جهانی کوشیده و امروز هم با شیرهی جان خود (نفت و گاز) فاصله‌های مرزی و جغرافیایی را برمی‌دارد، انحصارها را می‌شکند، زمینه گشایش اقتصادی و توسعه و تعمیق پیوندهای سیاسی و فرهنگی و همبستگی

کشورهای منطقه و دوردست را فراهم می‌کند و در صلح و دوستی جهانی می‌کوشد.

اما افسوس که تنها و بی یار و منزوی مانده زیرا که خود نه قلمی دارد و نه زبانی و نه رسانه‌ای و نه متولی کمر بخدمت بسته!

متأسفانه جهانیان خلیج فارس را دریایی نظامی و امنیتی و مردمان اطراف خلیج فارس را غالباً فقیر، نادان، خشن، متعصب، نفت خوار؟! می‌دانند.

امروز نه تنها جهانیان بلکه خود ایرانیان و همسایگان و ملتهای خاورمیانه نیاز به انقلاب شناخت دارند، شناخت از خود، گذشته و آینده، بخصوص ایرانیان، انسان ایرانی همانند ناخدای دم‌گین و مزوی شده که در اتاقکش محبوس است. این ناخدا فراموش کرده که مائک موی کشتی بشریت و سهام دار عمده‌ی آن است. سکاندار عبور از طوفانها و تلاطمات بوده و امروز نباید در برابر دیگر همراهان خود منزوی و حتی پرخاشگر باشد. او شایسته فرماندهی این کشتی است و دیگر همراهان هم به اوی امیدوار و خشنوعال نیاز دارند وجود ناخدای با تجربه، مهربان و شوخ و شنگ مایه آرامش آنها هم خواهند بود و حتی اگر طوفانها در راه باشند.

انسان ایرانی هنوز هم حرفهائی زیادی برای گفتن دارد و در استیلا هنوز هم شگفتیهای بسیاری نهفته، امروز بزرگترین خدمت به بشریت کم کردن خشونت بین انسانهاست و گسترش فرهنگ آشتی!؟

آشتی با خود با همسایگان با ملتهای منطقه و جهانیان.

جای تأسف است که با همسایگان جنوبی خود که بیش از دست کم دو هزار سال تاریخ مشترک (بحرین تا چهل سال پیش یک استان ایران بود) حوزه تمدنی

مشترک، دین مشترک و روحیات مشترک داریم با سردی و بی اعتمادی همراه است.

بسیاری از اعراب جنوبی و غربی ریشه ایرانی دارند، گذشته‌ی آنها در منابع فارسی است. کمشده‌ی ما با آنها آشتی است دستی که با حسن نیت دراز شده باشد اما هم با گرمی خواهند فشرد و به سلام‌ها علیک خواهند گفت با گفتگو، همدلی و تفاهم؛ مختصر اختلافات قابل حل و فصل است و فراموش نکنیم که همیشه بخش از ملت در خانه همسایه مانده و آنها هم بدانند در جهان پر خطر امروز هیچ ثوابی، پایداری نیست آنچه می‌ماند، دوستیها، همکاریها و همیاری هاست و در آخر اینک همدلی از هم‌زبانی بهتر است.

وای ملت‌های شرق گل سر بیدار! تاکی اختلافات و جنگ‌های قومی و مذهبی و برادرکشی شما که دریای صلح را در خلیج فارس در نزدیکی‌تان است از این آب بردارید و بر ویرانه‌ها و کویرهای صدام الهی خشونت و کینه بریزیدای ملتها و رهبران منطقه و ای جوانان، کهنسالان ما متفاوتیم، مذاهب و اقوام و باورهای متفاوتی داریم اما اشتراکاتی هم داریم اگر نک، بنگریم بسیار شبیه هم هستیم. امروز از حجاز تا بیروت و قونیه و همدان، بیت المقدس، دوحه، بغداد، صنعاء، دمشق، دبی، کویت، و هر شهری از منطقه سربرنی، نغمه‌ای آشنا، بوئی آشنا و چهره‌ای آشناتر خواهی دید. ای ملت‌های منطقه و ای وارثان انبیاء و اولیاء بزرگان، اندیشمندان و پیش‌تازان شما شایسته، جنگ، و مصیبت و آوارگی نیستید، به ندای صلح و دوستی خلیج فارس لبیک بگوید و یکبار دیگر تاریخ را مقهور خود کنید و به ملت‌های جوان و کم تجربه‌ی شرق و غرب درس گذشت و عشق و امید و صلح بدهید.



- کتاب همچنان رسانه‌ای متاثر و جزء مهمترین و بزرگترین و جذابترین حامل اندیشه و فرهنگ است و می‌تواند روشنگر، آگاهی بخش، تلطیف کننده روابط بخصوص در عرصه‌های سیاسی و افزایش روابط فرهنگی و اقتصادی، آشنایی با سایر ملتها، بستن صلح و دوستی، احترام و پاسداشت انسانیت و جان و جانداران و جهان من و پاکیزه، و بدون خشونت برای همه؛ «ملوانی در خلیج فارس» هم برگ سبز است تفحصی درویش به پیشگاه ملت ایران و مهد هنر و فرهنگ و پایتخت ادبیات جهان، خدمتی کوچک به فرهنگ کشور و زبان و ادب فارسی، افزایش و گسترش ترس و نرم و بهبود چهره ایران و خلیج فارس در جهان بازگو کردن داستانی بخش از تاریخ ایران و تقدیم قهرمانان تازه به فرهنگ کشور، افزایش اتحاد ملی و همبستگی داخلی و گسترش فرهنگ صلح دوستی منطقه‌ای و بین المللی و افزایش سرمایه اجتماعی و حافظه ملی و سندی بر بی‌شمار اسناد فارس بودن خلیج فارس و از همه مهمتر گرانیدن لحظات بکر و شاد و لذت بخش برای همه و بخصوص نوجوانان که مخاطبین اصلی کتاب هستند اما بزرگترها و بزرگان و فرهیختگان هم بی بهره و نصیب نه‌اند در مطالب در خور و دندانگیری برای آنها هم هست و حالا آماده سفر شده به خلیج فارس قرن هجدهم برویم قرن شگفت انگیز، مکانی فوق‌العاده و شاهی بنام نادر افشار یکی یدونه ماجراهای هیجان انگیز، آدمهای گوناگون و مباحث فراوان و تنوع زبان و گویش و لهجه‌ها؟!

اما برای راحتی متن و خوانش آسان داستان و برگردان آسانتر به زبانهای خارجی و یکدستی زبان از گویش تهرانی انتخاب شده و از الک خوش بینی و فیلتر همدلی هم عبور کرده با اینکه راضی و خشنود کردن همه افراد با عقاید و نظرات مختلف دشوار است اما تلاش شده این مهم تا حد زیادی لحاظ شود.

خلیج فارس در جغرافیای جهانی دریایی کوچک اما در دل ایرانی اقیانوسی بی انتهاست. این کتاب دربرگیرنده‌ی همه مفاهیم و ابعاد و نماینده‌ی خلیج فارس نیست بلکه نگراند. می‌کوچک با نیتی خیر در جهت نکوداشت خلیج فارس و معرفی و تعریف چهره‌ای صلح‌دوست، بخصوص در دوران جدید و رفع تحریمها و آغاز روابط چهار با ایران برداشته؛ اینک با رخصت از بزرگان ادب و هنر، داستان را آغاز کرده. در حال فارس قرن هجدهم می‌رویم تا ببینیم چه خبر است.